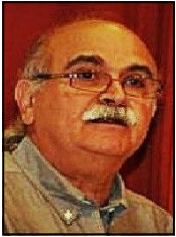


جنایت در ایران، لبخند در سازمان ملل!



حمید تقویانی

کشتار جمعی شریف‌ترین انسانها و
صفحه ۲

«گروه‌های تروریستی، اهداف توسعه‌یابدار» را زیر پا می‌گذارند و تداوم این وضعیت به فقر و تخریب بیشتر محیط زیست می‌انجامد. تروریسم و خشونت، ضمن خسارت آشکار به محیط زیست، توسعه‌یابدار را از دستور کار کشورها خارج کرده و منابع کشورها را صرف مبارزه با ناامنی می‌کند».

روحانی در اجلاس سازمان ملل جمهوری اسلامی خود سردهسته این گروه‌های تروریستی است. کارنامه این حکومت مملو است از «تروریسم و خشونت» نه فقط در سوریه و یمن و عراق بلکه در خود ایران و علیه مردم ایران. این رژیم

بیانیه مشترک احزاب چپ و کمونیست علیه دولت‌ها و نیروهای اسلامی در منطقه

است. این عکس‌العمل حق‌طلبانه و آزادیخواهانه دهها میلیون مردم کارگر و زحمتکش و زنان و جوانانی است که فقر، محرومیت، بی‌حقوقی و ناامنی تمام‌عیاری توسط دولت‌های حاکم بر این کشورها بر زندگی شان حاکم شده است. این مبارزات تا همین جا ظرفیت عظیم نیروی آزادیخواهی مردم برای ایفای نقش در تحولات سیاسی و ایجاد تغییرات رادیکال و اساسی به نفع اکثریت جامعه را

صفحه ۲

اسلامی آن، اعتراضات مردم ترکیه علیه حزب اسلامی حاکم، مبارزات قهرمانانه زنان و مردان آزاده در کردستان سوریه علیه داعش، گسترش جنبش سکولاریستی در تونس، مبارزه آزادیخواهانه در افغانستان علیه ارتجاع مذهبی و بویژه امروز جنبش توده‌ای در عراق علیه حکومت مرکزی و دار و دسته‌های ارتجاعی اسلامی و در دفاع از سکولاریسم، نمودهای مشخصی از این حرکت گسترده و امیدبخش

خاورمیانه شاهد شکل‌گیری و سربلند کردن یک جنبش گسترده سکولاریستی و مبارزه برای رهایی جامعه از وضعیت فاجعه‌باری است که در نتیجه دخالت‌های آمریکا و مونتلفینش و گسترش کشمکش‌های خونین و ارتجاعی و قدرت‌گیری هر چه بیشتر دولتهای اسلامی و نیروهای تروریست اسلامی در این منطقه و مناطقی از شمال و مرکز آفریقا وجود آمده است. مبارزات مستمر مردم ایران علیه جمهوری اسلامی و قوانین

صفحه ۲

دولت روحانی و تشدید فشار به فعالین کارگری!



نسان نودینیان

به ترتیب به یک سال و نیم و هفت و نیم سال و مجموعاً به ۹ سال حبس تعزیری محکوم شده.

بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری دربند در زندان رجایی شهر کرج، در اول مهرماه ۹۴ به هنگام دریافت برگه وضعیت قضایی متوجه شده است که حکم سنگین ۷ سال و ۹ ماه و ۱۵ روز زندان به صورت حکم قطعی به مجموعه احکام پیشین وی اضافه شده است. بهنام ابراهیم زاده همچنین به پرداخت ۴۵۰ هزار تومان جریمه بابت نگهداری تجهیزات ماهواره‌ای محکوم شده است.

صفحه ۲

محمود صالحی بشکل بسیار مرموز و با ابلاغیه‌ای امنیتی توسط شعبه اول دادگاه انقلاب سندج با اتهاماتی واهی و نخ‌نما همچون «تبلیغ علیه نظام» و «عضویت در جمعیت‌های معارض»،

موفقیتی بزرگ برای جنبش سکولاریستی و مریم نمازی علیه اسلام سیاسی در انگلیس



نگاه هفته: مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

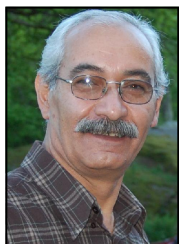
نسان نودینیان، نسرین رمضانعلی

۱۳۹۴ به هنگام دریافت برگه وضعیت قضایی متوجه شده است که حکم سنگین ۷ سال و ۹ ماه و ۱۵ روز زندان به صورت حکم قطعی به مجموعه احکام پیشین وی اضافه

صفحه ۳

تایید حکم ۷ سال و ۹ ماه زندان برای بهنام ابراهیم زاده
بر اساس اخبار ارسالی به کمیته هماهنگی، بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری دربند در زندان رجایی شهر کرج، در روز چهارشنبه ۱ مهرماه

بازخوانی تاریخ جدایی کمونیست کارگری از حزب کمونیست ایران در پاسخ به تحریف تاریخ از سوی ابراهیم علیزاده (قسمت دوم)



عبدالکلپریان

و همچنین «فعالیت‌های یک دوره تاریخی معین» را که ابراهیم علیزاده مطلقاً از آنها اسم نمی‌برد و تصویر جعلی و غیر واقعی از آن ارائه میدهد مرور کردیم.

در قسمت دوم و برای وارد شدن به موضوع علل جدایی، ابتدا لازم

صفحه ۵

علل جدایی حککا از حکا
نکاتی که بطور اختصار در قسمت اول از نظراتان گذشت مربوط به مهمترین مقاطع پروسه تاریخ تشکیل حککا و کومه له بود که شامل: «موقعیت کومه له قبل از تشکیل حککا»، «موقعیت کومه له در مقطع پروسه شکل‌گیری حککا»

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ **بیانیه مشترک احزاب چپ...**

نشان داده و امید تازه ای در میان آنان به وجود آورده است. این مبارزات در صورت تعمیق و سازمانیابی و برخورداری از یک رهبری چپ و رادیکال میتواند ضربه قاطعی به جنبش اسلام سیاسی و دولت ها و جریانهای ارتجاعی مذهبی وارد کند و ورق را در خاورمیانه به نفع مردم و آزادیخواهی و مدنیت و انسانیت برگرداند.

در چنین شرایطی ما امضا کنندگان این بیانیه عزم خود را برای مقابله فعال با نیروها و دولتهای اسلامی و نظام حاکم بر این کشورها و حمایت و تقویت مبارزات توده های مردم منطقه اعلام میداریم. برنامه عمل مشترک ما مبتنی است بر تلاش برای تقویت و تعمیق این مبارزات علیه دولتها و نیروهای اسلامی در کشورهای منطقه، آگاه ساختن افکار عمومی جهان از جنایات آنها و جلب حمایت جهانیان از مبارزات مردم علیه این نیروها. ما امضا کنندگان این بیانیه از تلاش و مبارزه نیروهای سکولار و آزادیخواه و چپ و کمونیست در کشورهای منطقه حمایت میکنیم.

ما خواهان آن هستیم که:

۱- دین از دولت و آموزش و پرورش و نظام قضایی و قوانین جاری جامعه جدا شود. اعتقاد و رفتار دینی هر فرد، امر شخصی و جزء آزادی وجدان فرد محسوب گردد. این اصل باید به طور شفاف

و غیر قابل تفسیر در قانون اساسی و هر سند حقوق پایه ای مردم این جوامع تصریح شود و همه قوانین موجود مغایر آن ملغای اعلام گردد.

۲- تغییر نظام سیاسی حاکم بر جوامع اسلامزده به نظام سیاسی آزاد، برابر و سکولار، یک ضرورت آزادیخواهانه فوری است و ایجاب می کند که نیروهای آزادیخواه، با جدیت و تشریح مساعی برای تحقق آن تلاش کنند.

۳- ما بویژه بر مبرمیت سرنگونی جمهوری اسلامی ایران در راستای به هزیمت کشاندن اسلام سیاسی در خاورمیانه و شمال و مرکز آفریقا تاکید میکنیم.

ما احزاب و سازمانهای چپ و کمونیست امضا کننده این بیانیه آمادگی خود را برای پیشبرد اهداف فوق و شکل دادن به یک حرکت جهانی در دفاع از سکولاریسم و علیه نیروها و دولتهای مذهبی در خاورمیانه و شمال و مرکز آفریقا اعلام میکنیم و همه نیروهای چپ، سکولار و آزادیخواه را به پیوستن به این حرکت فرامیخوانیم.

امضاها:

حزب کمونیست ایران

حزب کمونیست کارگری ایران

حزب کمونیست کارگری ایران

-حکمتیست

۳ مهر ۱۳۹۴

از صفحه ۱ **دولت روحانی و تشدید...**

دولت یازدهم روحانی کارنامه پر از جنایت، اعدام و دستگیری را به ثبت رسانده. روحانی از نهاد و ارگانهای امنیتی و از سیستم سرکوب در نظام جمهوری اسلامی بقدرت حکومتی پا به عرصه دولت یازدهم گذاشته. امنیتی و تهاذیدهای مدیای اجتماعی، سینما و روزنامه نگاری در دولت یازدهم بشکل ساختاری و سازمانیافته تری، انجام و عملی شده است.

در دولت روحانی بیشترین ریاضت کشی اقتصادی به کارگران و مردم در سطح میلیونی اعمال شده. حقوق و مستمری میلیونها نفر از کارگران، معلمان و پرستاران زیر سه برابر خط فقر است.

در دولت یازدهم بیکاری و فقر مالی به مشکل میلیونی مردم تبدیل شده. بیکاری زنان دوبرابر شده، میزان بیکاری زنان تحصیل کرده و عدم دسترسی زنان به فرصتهای شغلی به بیش از چهل درصد رسیده است.

دولت روحانی با سیاستهای سرکوب و تحمیل ریاضت کشی اقتصادی بشکل سیستماتیک در جهت نیازهای بانک جهانی حرکت میکند.

سیاست فشار بیشتر به فعالین کارگری، سرکوب و امنیتی کردن اعتصابات و به زندان انداختن فعالین میدیای اجتماعی در راستای برنامه های دولت و مقبولیت او در راستای قرار گرفتن دولت یازدهم برای مهار اعتراضات و خانه نشینی فعالین کارگری، فعالین عرصه زنان، میدیای اجتماعی میباشد.

دستگیری محمود صالحی فعال با سابقه و چهره محبوب کارگران در شهرهای کردستان، تمسید و طولانی کردن احکام زندانی بهنام ابراهیم زاده، تشدید فشار روحی و جسمی آگاهانه شاهرخ زمانی و مرگ تراژیک او، نگه داشتن ده ها فعال کارگری و معلمان در زندان و ازدیاد دستگیری ها در دو ماه گذشته برای دولت روحانی هدفمند است.

دولت روحانی و سیستم امنیتی نظام جمهوری اسلامی از هر دوره ای بیشتر به تاثیرات و موجودیت فعالین کارگری، معلمان و فعالین میدیای اجتماعی واقف هستند. در یکسال گذشته تعداد کمی اعتصابات کارگری با افزایش قابل توجهی توجه کارگران، معلمان و پرستاران را بخود جلب کرده. شعارهای تعرضی و ضد سرمایه داری، ضد دولت و کارفرما، برای رسیدن به خواست و مطالباتی که دولت و طبقه بورژوا بشکل سیستماتیک روزانه از طبقه میلیونی مزدبگیران جامعه سلب میکنند، از جمله؛ حقوق و دستمزدها را با تاخیرهای چند ماه تا یکسال پرداخت میکنند، دستمزدهای سه برابر و بیشتر زیر خط فقر، نا امنی محیط کار، بیکاری میلیونی، پایین بودن فرصت های شغلی، محرومیت میلیونی کودکان از تحصیل و ده ها مصائب اجتماعی دیگر.

فعالین کارگری و معلمان شخصیت های شناخته شده و محبوب جامعه هستند. محمود صالحی و بهنام ابراهیم زاده مدافعین حقوق کارگران، حقوق

کودکان و زنان هستند. مردم و جامعه در شهرهای کردستان دارای تجارب عملی و موفقیتی در دفاع از کارگران در بند هستند.

خنثی کردن فشار دولت روحانی علیه فعالین معلمان و فعالین کارگری در گرو تحرك سازمانیافته بخشهای مختلف اجتماعی است. اعتراض بشیوه های مختلف در شکل تجمع و طومار علیه احکام زندانی محمود صالحی و بهنام ابراهیم زاده امری ضروری و فوری است.

کمپین دفاع از کارگران و معلمان زندانی در موقعیت بسیار مناسبی قرار گرفته. افکار عمومی بین المللی، سندیکا و اتحادیه های کارگری بزرگ در سطح بین المللی در محکومیت احکام زندانی فعالین کارگری و بشکل کنکرت علیه احکام زندانی محمود صالحی و بهنام ابراهیم زاده، عکس العمل های حمایتی رادیکال و مثبتی را در اشکال ارسال نامه و محکومیت در بند نگه داشتن فعالین معلمان و کارگران را صادر کرده اند.

احزاب و فعالین سیاسی در خارج از کشور با فراخوان دادن کمپین های دفاع از کارگران و معلمان زندانی تظاهرات و شب های همبستگی را در کشورهای اروپا، کانادا و امریکا فعالانه سازماندهی کرده اند.

فشار دولت روحانی را با همبستگی بین المللی خنثی کنیم. جای محمود صالحی در زندان نیست. بهنام ابراهیم زاده از زندان آزاد باید گردد.

۷ مهر ۱۳۹۴

۳۰ سپتامبر ۲۰۱۵

از صفحه ۱ **جنایت در ایران...**

رکورد دار اعدام در دنیا است، حکومتی است که به "جرم" آزاد اندیشی و عدم تمکین به قوانین و مقدسات و اخلاقیات عتیقه اسلامی سنگسار میکند و شلاق میزند و بزندان میاندازد و بر دار میکشد. ظاهرا روحانی و حکومت متبوعه اش امیدوارند که بعد از توافق با غرب کسی جنایاتشان را بروی خود نیاورد. گمان میکنند که میتوانند در اجلاسهای بین المللی

لبخند بزنند و از "جهان علیه خشونت و افراطی گری" سخن بگویند و همچنان در جامعه ایران، در کارخانه ها و مدارس و خیابانها و در زندانها و شکنجه گاههایشان، بیشترین خشونتها را علیه آزاده ترین انسانها اعمال کنند. اما این خیال خامی است. مردم اجازه نخواهند داد این عوامفریبی و ظاهرسازی نخ

نما شده ممکن است در نزد دولتهای غربی و نهادهای حقوق بشریشان خریداری داشته باشد اما توده مردم ایران این بازی مسخره را بر سر حکومت خراب خواهند کرد. خشونت و توحش اسلامی در ایران و در منطقه نه در دلانهای سازمان ملل و کریدرهای حکومتی، بلکه در خیابانهای تهران و بغداد و بیروت تعیین تکلیف خواهد شد.

۲۶ سپتامبر ۱۵

**زنده باد انقلاب انسانی
برای جامعه ای انسانی!**



نان، آزادی، عدالت اجتماعی

نگاه هفته: مجموعه اخبار ...

از صفحه ۱

شده است. این موضوع بدین معنی است که از نظر دستگاه قضایی این حکم قطعی و لازم الاجرا است و تنها دخالت این فعال کارگری در ماجرا این است که وی در انتهای این پروسه ی قضایی از آن مطلع شود. بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری و از اعضای "کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل های کارگری" به اتهامات واهی تبلیغ علیه نظام و نظایر آن محکوم شده است و بعلاوه حتی در دادگاه ضد کارگری فرصت نداشتند است به شیوه ای که خود صلاح می دانسته از اتهامات علیه خود دفاع کند. ابراهیم زاده همچنین به پرداخت ۴۵۰ هزار تومان جریمه بابت نگهداری تجهیزات ماهواره ای محکوم شده است. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری حکم صادره علیه بهنام ابراهیم زاده را محکوم کرده و خواهان توقف اقدامات قضایی علیه وی و سایر فعالین کارگری می باشد. کمیته هماهنگی ۶ مهر ۱۳۹۴

زینب جلالیان چرا باید این همه محدودیت را تحمل کند!

زینب جلالیان زندانی سیاسی در وضعیتی هشتمین سال زندان خود را سپری میکند که با وجود بیماری چشم و عدم رسیدگی به آن با محدودیت در ملاقات های هفتگی در زندان نیز روبرو شده است.

ناتر خیابانی در مروان

در تئاتر خیابانی مروان ۳۷ گروه با ۲۷۲ اثر نمایشی از ۱۴ استان داخلی ایران و ۴ کشور خارجی حضور خواهند داشت. جشنواره دهم از روز دوشنبه ششم مهرماه افتتاح گردیده و برای سه روز متوالی ادامه خواهد یافت. ۱۴ نقطه از سطح شهر مروان به همراه روستاهای "کانی دینار، برده ره شه، ینگچه و نی" محل اجرای نمایش ها خواهد بود. امسال کارگاه آموزشی با موضوع "تئاتر ستمدیدگان" توسط پرفسور داکلاس پترسون از کشور آمریکا که از مدرسان بین المللی حوزه تئاتر است برای ۱۲۰ شرکت کننده برگزار می شود.

تجمع کارکنان مجتمع کشت و صنعت مهاباد

۵ مهر کارکنان مجتمع کشت و

صنعت مهاباد با حضور در جلوی اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی و فرمانداری خواستار پرداخت مطالبات معوقه خود شامل معوقات حقوق، پرداخت حق بیمه و پاداش بازنشستگی از سوی مدیریت این واحد تولیدی شدند.

در محکومیت حکم صادره علیه محمود صالحی و حمایت از وی! کارگران و تشکل های کارگری ایران و جهان!

همانگونه که پیش از این گفتیم، محمود صالحی، فعال کارگری و از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، طی محاکمه ای ناعادلانه و به موجب حکمی ضدکارگری که در قالب دادنامه ی شماره ۹۴۰۹۹۷۸۷۲۱۰۰۶۰۸، در شعبه اول دادگاه انقلاب سنندج، به نامبرده ابلاغ شد، با اتهاماتی واهی و نخ نما همچون "تبلیغ علیه نظام" و "عضویت در جمعیت های معارض"، به ترتیب به یک سال و نیم و هفت و نیم سال و مجموعاً به ۹ سال حبس تعزیری محکوم گردیده است. دادگاه انقلاب سنندج حتی از تحویل یک نسخه از داد نامه ادعایی به محمود صالحی امتناع ورزیده است. مطابق گفته ها و مصاحبه های آقای صالحی، حکم صادره از جانب شعبه اول دادگاه انقلاب سنندج در واقع براساس گزارشات و در عین حال دخالت و اعمال نظر وزارت اطلاعات و به ویژه دخالت های اطلاعات استان کردستان بوده است.

به راستی جرم محمود صالحی و دیگر کارگران آگاه و فعالین کارگری چیست و آنان چرا یکی پس از دیگری احضار و بازداشت شده، راهی زندان های حامیان و مدافعان سرمایه می شوند؟ واقعیت این است که تشدید فزاینده فشار و ستم سرمایه نسبت به کارگران، که به شکل آشکاری خود را در تشدید بهره کشی از طبقه کارگر و تحمیل بی حقوقی مطلق به این طبقه، توسط سرمایه داران به نمایش می گذارد، علی العموم کارگران را به تقابل و رودررویی با صاحبان سرمایه و حامیان چنین نظامی سوق می دهد و خواه ناخواه کارگران را این جا و آن جا، به اعتراض و مبارزه بر ضد ستم

و استثمار سرمایه می کشاند. سرمایه داران به مثابه یک طبقه استثمارگر، به حکم قانون اساسی و ذاتی نظام سرمایه داری، برای کسب سودهای نجومی و انباشت بیش از پیش سرمایه، بر شدت استثمار و بهره کشی از کارگران می افزایند و بی حقوقی، گرسنگی و رنج و تعب بیش تری را به آنان تحمیل می کنند. طبیعی است که کارگران و فعالان دلسوز کارگری نمی توانند در مقابل تحمیل روزافزون بی حقوقی و ظلم و ستمی که از جانب سرمایه داران و عوامل آنان، نسبت به کارگران رواداشته می شود بی تفاوت بمانند و در مقابل تهاجم همه جانبه ی سرمایه و حامیان آن به هستی و زندگی خویش سکوت اختیار کنند. آنان به حکم ضرورت اعتراض می کنند و به نسبت توان و قدرت خویش از راه ها و اشکال متفاوت مبارزه و رودررویی استفاده می نمایند. در این میان سرمایه داران هم که منافع خویش را در خطر می بینند به مقابله جویی با طبقه کارگر برمی خیزند و همه ی سعی و تلاش خود را بکار می گیرند تا حتی المقدور صدای اعتراض آنان را خاموش کرده و کارگران را به تمکین و خاموشی در قبال خواست ها و مطامع سرمایه مجبور کنند. جدال کارگران آگاه و فعالان کارگری با صاحبان سرمایه و حامیان آن ها دقیقاً بدین خاطر و از این روست. در واقع این مسئله است که سرمایه داران و عوامل آنان در ایران را به تهاجم علیه کارگران که هدفی جز پیگیری خواست ها و مطالبات طبقاتی خویش در عرصه های مختلف ندارند، کشانده و آنان را به شکل همه جانبه ای در مقابل کارگران قرار می دهد. بازداشت و زندانی کردن کارگران و فعالین کارگری را تحت عناوین و بهانه هایی چون "تجمع به قصد تباہی"، "تبلیغ علیه نظام"، "اقدام علیه امنیت ملی" و "اتهاماتی از این دست تنها و تنها می توان از این طریق توضیح داد. دستگیری محمود صالحی و محاکمه و زندان او نیز جدا از این قاعده نیست و صرفاً مهر تأییدی است بر این مدعا. و گر نه محمود صالحی نیز همچون هر فعال کارگری دیگر، کاری جز دفاع از حقوق حقه کارگران و منفعت آنان انجام نداده است که

مستوجب تحمل چنین حکم سنگینی باشد و با شرایط وخیم جسمی که دارد ۹ سال زندان را به خاطر اتهامات واهی تحمل نماید. واضح است که حامیان و مدافعان سرمایه قصد دارند ت با تحمیل چنین احکام سنگینی به کارگران آگاه و فعالان کارگری، بین آنها هراس ایجاد کرده، بدین وسیله طبقه کارگر را از ادامه راه و پی گیری مطالبات خویش باز دارد. خوشبختانه اعتراضات کارگران برای کسب مطالبات طبقه ی کارگر چند ده میلیونی در ایران، به ویژه در سال های اخیر، آنقدر گسترده و وسیع بوده است که با دستگیری و تعقیب امنیتی و قضایی فعالین کارگری و کارگران معترض از حرکت باز نخواهد ایستاد. مبارزات کارگران و فعالان کارگری و به طور مشخص جنبش مطالباتی این طبقه، با هر تفاوتی که در نظرات و راهکارهای افراد فعال این طبقه وجود داشته باشد و از هر گرایش و عقیده و نژاد و ملیتی که باشد، تا آنجا که در کلیت خود مبارزه ای برای اهداف و منافع طبقه کارگر است، مبارزه ای به هم گره خورده و درهم تنیده است و هر تعداد و هر درجه از سرکوب و فشار علیه فعالین جنبش کارگری نخواهد توانست اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران و فعالان کارگری را مخلوش و سست نماید. کارگران و تشکل های کارگری ایران و جهان! ما خواهان اعلام همبستگی و اقدامات عملی شما برای محکوم کردن این حکم ضد انسانی و تلاش های عملی برای لغو این حکم هستیم و از همه ی نیروهای کارگری و مترقی می خواهیم در این راه از هیچ تلاشی فروگذار نکنند. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ضمن محکوم کردن مجدد حکم ناعادلانه ۹ سال زندان برای محمود صالحی، خواهان لغو این حکم و مختومه اعلام نمودن پرونده اتهامی وی و همچنین پایان دادن بدون قید و شرط تعقیب قضایی ایشان و دیگر فعالان کارگری می باشد. این کمیته همچنین تأکید می کند که با تکیه براتحاد طبقاتی و یکپارچگی کارگران برای لغو حکم محمود صالحی هرگونه اقدام لازم را انجام خواهد داد و با توجه به شرایط وخیم جسمانی محمود صالحی، هرگونه

عوارض و پیامدهای ناگوار احتمالی در زندان، مستقیماً متوجه مسئولین قضایی و صاحبان سرمایه در ایران بوده و اعضا و فعالین این کمیته با تمام توان در مقابل این چنین اقداماتی خواهند ایستاد. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری. ۳۱ شهریورماه ۱۳۹۴

به مناسبت بازگشایی مدارس و دانشگاه ها و در حمایت از فعالیت های حق طلبانه معلمان و دبگن بخش های کارگری، برای پیگیری خواست و مطالبات برحق آنان.

در آستانه ی اول مهرماه سال ۹۴ و بازگشایی مدارس و دانشگاه ها و موسسات آموزشی قرار گرفته ایم. در روزهای آتی بالغ بر ۱۲ میلیون و دویست هزار دانش آموز در مقاطع مختلف تحصیلی بر سر کلاس های درس حاضر خواهند شد تا از درس و خدمات تحصیلی بیش از یک میلیون و سیصد هزار معلم بهره ببرند و همچنین بالغ بر ۴ میلیون دانشجو از خدمات آموزشی حدود ۲۵۰۰ واحد آموزشی در سراسر کشور استفاده خواهند کرد. بحران های حل نشده ی اقتصادی و اجتماعی در جامعه ی ما، اوضاع نگران کننده ای را پیش روی دلسوزان عرصه های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی تصویر می کند. بخش اعظم دانش آموزان و دانشجویان جامعه ی ما فرزندان از طبقه ی کارگر هستند که برای آموزش و تحصیل بر سر کلاس های درس حاضر خواهند شد؛ فرزندان که هر روزه و لحظه به لحظه از مشکلات مختلف اجتماعی و اقتصادی در خانواده و جامعه رنج می برند و در آینده ی نه چندان دور نیز به یکی از دو بخش بیکاران و یا بر کار گمارده شدگان در طبقه ی کارگر خواهند پیوست؛ دانش آموزان و دانشجویانی که در روزهای تحصیل و درس نیز به جای شادابی و برخورداری از یک نظام آموزشی که بر کرامت انسانی و آزادی بحث و درس و عقیده ورزی بنا شده باشد، اجباراً و غالباً و در بسیاری از زمینه ها مخاطب مسایل و مفاد آموزشی ای قرار می گیرند که از آنها کارگرانی برای کرش بی چون و چرا در مقابل "نظم موجود" و مناسبات طبقاتی آماده سازد.

نگاه هفته: مجموعه ای از اخبار ...

معلمان مدرسه و دانشگاه و سایر کادرهای آموزشی نیز که خود بخشی از طبقه ی کارگر هستند، غالباً به علت درگیر بودن با مسائل و مشکلات عدیده ی اقتصادی و اجتماعی، کم تر امکان بهره گیری از سرچشمه های علمی و فراگیری دانش روز جامعه و از این طریق ایجاد فضای آموزشی مناسب برای رشد و تعالی دانش آموزان و دانشجویان را دارند. می توان تصور کرد که وقتی چنین شرایطی، با فشار و سرکوب پلیسی و امنیتی معلمان سراسر کشور که چیزی جز احقاق حقوق مسلم خویش و بهبود شرایط کار و زندگی خود را طلب نمی کنند در هم آمیخته می شود چه وضعیتی در فضای آموزشی و پرورشی کشور پیش می آید و چه اوضاع و احوالی بر این بخش از طبقه کارگر ایران حاکم می شود. متأسفانه امسال در آستانه ی بازگشایی مدارس، معلمان فعال برای کسب مطالبات معیشتی و اقتصادی و اجتماعی این قشر بیش از پیش در فشار و سرکوب و تحت تعقیب قضایی قرار گرفته اند. تا آن جا که شورای مرکزی تشکل های صنفی فرهنگیان سراسر کشور در بخشی از بیانیه ای که به مناسبت بازگشایی مدارس صادر کرده است می گوید: «آموز معلمان

مشکلات و نابسامانی های معلمان و فضای آموزشی کشور می افزاید. حکم جدید سه سال حبس برای معلم زندانی رسول بدقایی، در حالی که محکومیت شش ساله زندان وی به پایان رسیده بود و ادامه ی حبس معلم کوشا و فعال کارگری مهدی فراخی شاندیز و همچنین دستگیری معلمان فعال و دلسوزی چون اسماعیل عبدی، محمود بهشتی، علی اکبر باغانی، علیرضا هاشمی، مهدی بهلولی، محمدرضا نیک نژاد و منصور موسوی، همه و همه فشار هر چه بیش تری را بر معلمان و تشکل های صنفی شان وارد می کند و حتی خواسته های صنفی و معیشتی شان را نیز دولت نادیده می گیرد. بدون تردید این گونه فشارها و بگیری بیندها فضای آموزشی و محیط های کار و درس معلمان را ملتهب می کند و نه تنها مشکلی را از مشکلات عدیده این قشر زحمتکش و مفید حل نمی کند، بلکه بر معضلات و نابسامانی های معلمان و محیط های درس و آموزش مدرسه و دانشگاه اضافه می کند. این قضایا و این معضلات وقتی تشدید می شود و به اوج خود می رسد که بدانیم همزمان، تعدادی از کارگران و فعالین کارگری و اعضای تشکل های مستقل در جنبش کارگری نیز همراه با معلمان، تحت تعقیب و پیگرد قضایی قرار

گرفته و بعضاً دستگیر و روانه زندان شده اند. چرا که خواست ها و مطالبات عموم کارگران، و فرزندان شان که به عنوان دانش آموز و دانشجو به کلاس های درس می روند، علی العموم از خواست ها و مطالبات معلمان مدارس و اساتید دانشگاه که بخشی از طبقه ی کارگر ایران را در ارتباط با مسائل آموزش و پرورش در جامعه تشکیل می دهند از هم جدا نبوده و نیست. بنا بر این لازم است تا در سال تحصیلی جدید، فعالان کارگری، از جمله فعالانی که در بخش های تحصیل و آموزش مشغول به کار هستند با تقویت تشکل های مستقل و متکی به خود و تأکید هرچه بیشتر بر استقلال طبقاتی این تشکل ها از صاحبان سرمایه و نهاد ها و مؤسسات دولتی، با نزدیکی و اتحاد عمل بیش تر و پشتیبانی از یکدیگر باشند و مسائل و مشکلات خود را در اتحاد و همبستگی با همدیگر به پیش ببرند. خوشبختانه در سال های اخیر اعلام همبستگی دو طرفه ی معلمان و کارگران عرصه های تولید و خدمات و همراهی و همسویی آنان در اعتراضات و حرکت های اجتماعی رو به فزونی گذاشته و روز به روز بر وزن و میزان این همبستگی و پشتیبانی افزوده می شود. باور کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد

تشکل های کارگری بر این است که مادام که مبارزات معلمان در مدرسه و دانشگاه با مبارزات سایر هم طبقه ای هایشان در مراکز مختلف کار و تولید گره نخورده است و مادام که اتحاد و همبستگی طبقاتی میان آن ها تقویت نشود، اوضاع بر همین منوال خواهد بود و به اصطلاح در بر همین پاشنه خواهد چرخید. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ضمن شادباش به مناسبت فرا رسیدن سال تحصیلی جدید، به تمامی معلمان، دانش جویان، دانش آموزان و آموزشگران دانشگاه ها و مراکز آموزشی و علمی و ضمن آرزوی سال تحصیلی موفق تر و شاد تر برای این عزیزان عرصه های علمی و فرهنگی، بار دیگر از خواست ها و مطالبات برحق معلمان و تشکل هایشان حمایت کرده و خود را همراه و متحد آنان می داند. این «کمیته» همچنین خواستار آزادی بی قید و شرط تمامی معلمان در بند و سایر فعالین کارگری و اجتماعی زندانی و زندانیان سیاسی و عقیدتی و پایان دادن به تعقیب قضایی علیه آنان می باشد.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری
۳۱ شهریورماه ۱۳۹۴

موفقیتی بزرگ برای ...

مریم نمازی قرار بود به دعوت جامعه آنتیست های دانشگاه warwick لندن در این دانشگاه سخنرانی کند. با لغو این سخنرانی توسط اتحادیه دانشجویان این دانشگاه که تحت تاثیر «چپ عقب مانده و به اصطلاح ضد امپریالیست» و جریانات اسلامی است، و عکس العمل فوری مریم نمازی در بلاگ و در مدیای اجتماعی، رسانه های متعددی از جمله گاردین، ایندیپندنت، دیلی میل، کاونتری تلگراف در تماس با مریم نمازی صحبت های او را منعکس کردند. در فیس بوک و تویتور هزاران کامنت توسط سکولارها و چپ اجتماعی به دفاع از مریم و ارزش های سکولار و در دفاع از آزادی بیان، علیه اتحادیه

لغو و رسماً از مریم نمازی معذرتخواهی کرد. رهبری این اتحادیه دانشجویی بدلیل موضعش در همراهی با جریانات اسلامی و علیه آزادی بیان، عملاً یک رسوایی بزرگ نصیب خود کرد. رهبری این اتحادیه دانشجویی نشان داد که صلاحیت این مسئولیت را ندارد. سخنرانی مریم نمازی طبق تاریخ از قبل اعلام شده در ماه اکتبر انجام خواهد شد.

به همان اندازه که عکس العمل مردم سریع، وسیع و گسترده و تعرضی بود به همان اندازه نیز موفقیت این حرکت در فضای جامعه انگلیس مهم ارزیابی می شود. قبل از هر چیز این شکستی برای جریانات اسلامی و «چپ» مرتجعی است که دفاع از جریانات اسلامی بخشی از پلاتفرم آن است. این یک موفقیت درخشان برای

تنوری های دست راستی و راستیست به چهره محبوبی در انگلیس و در سطح بین المللی تبدیل شده و جامعه در چنین جدل هایی رهبر خود را می شناسد و او را روی دست بلند میکند و به حمایت از او بلند می شود. این چپ اجتماعی این کشور است که در کنار مریم قرار گرفته، از او خط میگیرد و به دفاع از او برمیخیزد.

نقد مریم نمازی به اسلام سیاسی و حامیان آن، نقدی کمونیستی کارگری و بی تخفیف است و جامعه تشنه چنین نقدی است.

زنده باد مریم نمازی!

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران
۲۸ سپتامبر ۲۰۱۵

جنبش سکولار و آزادی بی قید و شرط بیان و موفقیتی برای مریم نمازی چهره شناخته شده و محبوب مدنیت و انسانیت و رهبر جنبش سکولار و آنتیست در این کشور است. مریم سازمانده یك حرکت وسیع اجتماعی علیه قوانین شریعه در انگلیس و تحركات ارتجاعی اسلامی در این کشور، چهره شناخته شده مدافع حقوق زن و از اعضای رهبری حزب کمونیست کارگری ایران است. در انبوه کامنت های مردم در مورد این مساله رد پای از نسبیت فرهنگی و توهم به جریانات اسلامی دیده نمیشود. این اتفاق آمادگی و قدرت جامعه را در پس زدن این تفکرات ارتجاعی و ضد مدنیت نشان داد.

مریم نمازی بدلیل فعالیت مستمر، طولانی، پیگیر، شجاعانه و رادیکال علیه جریانات اسلامی و

از صفحه ۱ بازخوانی تاریخ جدایی ...

است که به چگونگی نگرش، تحلیل و ارزیابی نیروها و گرایش‌های سیاسی از اوضاع و مناسبات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آندوره و بطور مشخص تر، "دو سازمان تشکیل دهنده حکا و پروسه تشکیل حزب" داشته باشیم. بدون توضیح این جنبه های کلیدی از مسئله، یا هر تحول دیگری که متعاقبا در حکا روی داد، پرداختن به علل جدایی بی معنی و سطحی نگرانه خواهد بود. از این رو علل جدایی را در سطوح زیر مورد بررسی قرار خواهیم داد. یکم: "نگرش گرایش‌های سیاسی بنام چه در مقطع انقلاب به مناسبات جامعه". دوم "خط و گرایش‌های تشکیل دهنده حکا و پروسه تشکیل حزب" و سوم "تحولات بعد از پایان جهان دو قطبی".

تمرکز روی این فاکتورها بعنوان پدیده ها و واقعیت های اجتماعی و تعیین کننده، توضیح دهنده علل جدایی است نه بیان یک جمله سطحی و دلخواهی مبتنی بر، "دچار نا امیدی شدن و رفتند".

بخش بعدی یعنی "تحولات بعد از پایان جهان دو قطبی" را در قسمت سوم این مجموعه اشاره خواهم کرد.

"تحلیل و ارزیابی نیروها و گرایش‌های سیاسی از اوضاع و مناسبات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آندوره"

اوضاع و شرایط انقلابی در سال ۵۷ سبب شد نیروهای سیاسی از هر طیف و گرایشی و با هر استراتژی و افقی که برای خود ترسیم کرده بودند پا به عرصه وجود بگذارند. سازمانها و جریان‌های سیاسی بنام چه که پیشینه فعالیت مخفی در اختناق آریامهری داشتند، همراه با سازمانهای دیگری که یا از آنها انشعاب کرده و یا تازه پا به عرصه فعالیت گذاشته بودند، علیرغم هر تفاوت جزئی بین آنها اما در مجموع زیر یک چتر، یک افق و استراتژی شریک بودند. این وجه اشتراک را در مواضع ضد امپریالیستی آنان، اینکه شاه وابسته و سگ زنجیری آمریکا است، اقتباس از خط مشی مائونیستی، محاصره شهرها از طریق دهات، دیدگاههای پوپولیستی، نیمه

مستعمره و نیمه فئودال دانستن مناسبات جامعه ایران و الاآخر میتوان خلاصه کرد و توضیح داد. کارنامه چه ایران، تحلیلش از اوضاع و مناسبات اجتماعی و اینکه اگر شاه یا هر حکومت دیگری در ایران وابسته به آمریکا نباشد گویا جامعه ایران گل و بلبل میشد، جوهر و خمیر مایه چه ایران بود. چه ۵۷ از نظر اقتصادی معتقد به این بود که سرمایه داری ملی و غیر وابسته میتواند راهگشا و پاسخ دهنده شکاف طبقاتی باشد. این چه طرفدار جامعه ای از نظر اقتصادی غیروابسته بود و از نظر سیاسی، فرهنگی، سبک کاری، اخلاقیات و در تمامی زمینه های مختلف، متاثر از سوسیالیسم خلقی بود و افقی فراتر از ساختاری در قامت سرمایه داری ملی را نداشت. از آنجا که یکی از شعارهای خمینی علم کردن "مرگ بر شیطان بزرگ" بود، نیاز مواضع سیاسی این چه نیز قابل تأمین بود و بعدها دیدیم که بخشی از همین چه پشت سر خمینی قرار گرفت. با این توضیح کوتاه ببینیم دو جریان تشکیل دهنده حکا، (کومه له و اتحاد مبارزان کمونیست) از چه موقعیتی برخوردار بودند؟.

"سازمان، خط و گرایش تشکیل دهنده حکا (کومه له و اتحاد مبارزان کمونیست)"

سازمان کومه له:

کومه له که در اواخر سال ۵۷ فعالیت علنی خود را در کردستان اعلام کرده بود، بی نصیب از همان درک، تحلیل و نگرشی که بالاتر اشاره شد نبود. دیدگاه دهقانی، نیمه فئودال و نیمه مستعمره خواندن مناسبات جامعه ایران که یکی از گرایش‌های درون کومه له بود و همچنین خط مائونیستی و همچنین گرایش ناسیونالیستی در این سازمان و با نام چه، وجه مشخصه کومه له بود. تنها تفاوتی که کومه له با سازمانهایی که در تهران و شهرهای دیگر فعالیت میکردند داشت این بود که کومه له درگیر حرکت مبارزاتی و ضد مذهبی مردم شهرهای کردستان، مقاومت و ایستادگی آنان علیه

جریان خمینی بود. در قسمت اول اشاره کردیم که چه اجتماعی جامعه کردستان و همچنین اوضاع انقلابی در سال ۵۷ این امکان را بوجود آورده بود که کومه له در اوضاع و تحولات اجتماعی و اعتراضی مردم شهرها و روستاهای کردستان به ایفای نقش بپردازد. ویژه گی های خاص در کردستان (که پرداختن به آنها موضوع این مبحث نیست)، این امکان را فراهم نموده بود که هر نیرویی در آن شرایط پر التهاب انقلابی اگر دو سر و گردن نسبت به بقیه جریان‌های دیگر به نفع مردم و از موضع چه حرف میزد، خواستههای آنان را حال با هر روایتی نمایندگی میکرد و در میدان عمل ظاهر میشد، مورد حمایت مردم قرار میگرفت. تا جاییکه به کومه له برمیگردد، علیرغم موقعیت اجتماعی و داشتن نیروی مسلح و مقاومت در مقابل ارتش و سپاه و از سوی دیگر تسلیح نسبتا همگانی مردم که توازن قوا را بنفع جنبه انقلاب سنگین کرده بود، دارای دو گرایش بود که یکی از آنها گرایش ناسیونالیسم کرد، خودمختاری طلب و عمیقاً متاثر از سنت و روش کیش پیشمرگانی برگرفته از سبک و سنت اتحادیه میهنی بود. این گرایش بدون اینکه توان بلند کردن پرچمی در کومه له را داشته باشد اما تحت فشار چه اجتماعی و مارکسیسم انقلابی در مقطع تشکیل حزب ساکت بود ولی کار خودش را میکرد. به این اعتبار علاوه بر گرایش ناسیونالیستی، نگرش پوپولیستی و تحلیل از اوضاع و مناسبات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ای که در مورد سازمانهای سیاسی چه بالاتر اشاره شد، کومه له را هم در بر میگرفت. ابراهیم علیزاده در رپرتاژی پیرامون انقلاب ۵۷ و نقش کومه له میگوید: "وقتی که جامعه از بیرون به ما نگاه میکرد این تصویر را میگرفت که کومه له سازمانی پوپولیستی، دهقانی و متاثر از خط مشی مائو است اما ما خودمان را اینگونه نمیدیدیم". در این شکی نیست که نه تنها کادری کومه له بلکه اکثریت سازمانهای چه آندوره آرزو داشتند که جامعه ایران و طبقه کارگر از تمام قید و بندهای سرمایه داری رها شود. در خلوص نیت چههای آندوره برای اضافه شدن لقمه

ای نان به سر سفره مردم کوچکترین تردیدی وجود ندارد. منتها تلاش برای تحولات زیرو رو کننده جامعه و رهایی کارگران از قید و بند سرمایه داری و هدایت و رهبری به سوی سوسیالیسم، با آرزوهای درونی و اینکه در مورد خود و سازمانت چگونه فکر می کنید به تحقق نمی پیوندد. افق روشن مارکسیستی، پراتیک، سبک، سنت و نگرش سیاسی و فکری سازمان است که مورد محک جامعه و توده کارگر قرار میگردد. مردم حق داشتند چنین تصویر و استنباطی که علیزاده بیان میکند از کومه له بدست دهند چرا که نگرش و پراتیک کومه له متاثر از خط مائو، پوپولیستی و دهقانی بود.

اتحاد مبارزان کمونیست:

اتحاد مبارزان کمونیست بعنوان جریانی که تا قبل از انقلاب ۵۷ فعالیت هایش عمدتاً در خارج کشور بود، با نگاه و درک دیگری به اوضاع انقلابی ایران و اینکه تصویر عینی و واقعی چیست و کدام است مینگریست. این سازمان در سنت چه ایران که بالاتر در رابطه با سازمانهای سیاسی آندوره اشاره شد جایگاهی نداشت. برخلاف دیگر سازمانهای چه که هر يك متاثر از انقلاب چین، خط مائو، یا مشی چریکی آمریکای لاتین و کاسترو در کوبا و خط حزب توده بعنوان شاخه ایرانی احزاب بلوک شوروی سابق بودند، اتحاد مبارزان کمونیست از نظر خط فکری با تکیه بر دست بردن به کاپیتال مارکس، متون پایه ای مارکسیستی و بر اساس آنها تحلیل از اوضاع، شرایط، مناسبات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه ایران را مورد بررسی قرار میداد. از اوایل سال ۵۸ تا قبل از سی خرداد ۶۰ این سازمان توانست در نقد دیدگاههای دیگر جریان‌های بنام چه، از جمله، در نقد پوپولیسم و خلق گرایی، در نقد دیدگاههایی که جامعه ایران را نیمه فئودال و نیمه مستعمره میدانستند، نقطه نظرات تئوریک و سیاسی خود را منتشر کند.

نوشته های ماندگار منصور حکمت تحت عنوان: دو جناح در ضد انقلاب بورژوا امپریالیستی، "سه منبع و سه جزء سوسیالیسم خلقی"، "اسطوره بورژوازی ملی و

مترقی"، جنبش دهقانی پس از حل امپریالیستی مسئله ارضی"، تمامی تر و تئوری های سازمانها و جریانات سیاسی آندوره را کنار زد و کادرها و اعضای این سازمانها را دچار آشفتگی فکری و نظری کرد. بدنه سازمانهای سیاسی بشدت به این نظرات سمپاتی نشان دادند و اتحاد مبارزان کمونیست متکی بر این گنجینه نظری و تئوریک توانست به نیرویی مطرح در میان جامعه و کارگران تبدیل شود. ایده تشکیل حزب کمونیست ایران در همان ایام یکی از هدفهای اتحاد مبارزان کمونیست بود. دستاوردهای نظری و تئوریک منصور حکمت از این رو مقبولیت و محبوبیت پیدا کرد که نقد عمیق و ریشه ای به سرمایه داری از موضع کارگر کمونیست بود. از این سر میتوان اهمیت و جایگاه این خط را دید. تشکیل حزب و پایان دادن به آشفتگی حاکم بر سازمانها و به يك دوره از تاریخ چه ایران، ما حاصل نقد این نوع از کمونیسم به سرمایه داری بود.

"پروسه تشکیل حکا"

در آن ایام عمده فعالیت کومه له در مناطق آزاد شده روستاهای کردستان بود. مقطع سالهای ۵۹ و ۶۰، دوره ارتباط و نزدیکی بین اتحاد مبارزان کمونیست و کومه له بود. بعد از انتشار نقطه نظرات اتحاد مبارزان کمونیست و مطالعه این نوشته ها از سوی رهبری کومه له، نمایندگانی از رهبری کومه له برای ملاقات با کادر رهبری اتحاد مبارزان کمونیست به تهران رفتند و بعد از دیدارهای رفت و برگشت، مسئله تشکیل حزب نیز روی میز رهبری کومه له قرار گرفت. اینجا من وارد جزئیات این دیدارها نمیشوم فقط به يك خاطره اشاره کوتاهی میکنم.

اوایل سال ۵۹ تا سی خرداد ۶۰ در ارتباط با کومه له در تشکیلات تهران فعالیت داشتم. با توجه به موقعیت شغلی ام در یکی از ترمینالهای حمل و نقل کالا در جنوب تهران که بعدها بطور ابتکاری از طرف من و یکی از رانندگان کامیون و سپس تبدیل این ایده به عرصه کار تشکیلات کومه له در تهران، به مرکز انتقال سازمانیافته نیازمندیهای تدارکاتی برای بخش

از صفحه ۵ بازخوانی تاریخ جدایی ...

علنی تشکیلات کومه له تبدیل شد، از این مکان برای رفت و آمد رفقای اتحاد مبارزان کمونیست و کومه له به کردستان و بلعکس به تهران نیز بخوبی استفاده میشد. (در کتاب تاریخ یکپوره در جزئیات این عرصه از کار را مفصل توضیح داده ام) اما نکته ای که از نظرم حائز اهمیت است و لازم دیدم اینجا اشاره کنم این بود که به همراه بسیاری از رفقای تشکیلات کومه له در تهران سریعتر از بخش علنی با نقطه نظرات اتحاد مبارزان و نوشته های منصور حکمت آشنایی و دسترسی داشتیم. این جمع و جمع های دیگر تشکیلات کومه له در تهران خود را با آن نقدها و دیگر نوشته های منصور حکمت همسو میدانستند. در جلساتی که در منزل من و بر سر این مباحث داشتیم، نه تنها خود را با آن در اختلاف نمیدیدیم بلکه آنرا بعنوان افق روشنی در مقابل اوضاع آندوره و برای سازمانهای چپ در پاسخ به اوضاع سیاسی اجتماعی و بعنوان نقدی نو بر مناسبات کار و سرمایه ارزیابی میکردیم. این جمع ها با دیدگاهی که در کومه له جامعه ایران را "نیمه فئودال و نیمه مستعمره" ارزیابی میکرد و از پوپولیسم رنج میبرد مشکل جدی داشتند. رفقای کارگر در جلسات استدلالات عینی و زمینی تری در نقد این دیدگاه ارائه میدادند. یکی از رفقای راننده کامیون میگفت: " سالها است که با کامیون مشغول حمل کالاهای تجارتهای شهرهای ایران هستم. در مسیر جاده ها و در داخل شهرها بجز کارخانه و مجتمع های تولیدی که همه جا را در خود تنیده و طبقه کارگر را بخاک سیاه نشانده است نمیشود چیز دیگری دید. من حالی نیستم که نیمه ای استعمار و نیمه ای فئودال دیگر چه ضیغه ای است؟"

در هر حال نتایج این ملاقاتها بیار نشست و خط غالب در کومه له نیز خود را بعنوان مدافع نقدهای اتحاد مبارزان کمونیست و طرفدار مارکسیسم انقلابی، این ظرفیت را از خود نشان داد که میتواند بعنوان یکی از دو نیروی اصلی در تشکیل

حکا قرار بگیرد. کنگره سوم کومه له با پذیرش این نقدها و تایید مواضع و نظرات اتحاد مبارزان کمونیست، تصویب اصلاح شده برنامه اتحاد مبارزان کمونیست در قبل از تشکیل حزب، نقطه عطفی در جهت گیری این سازمان برای قدم گذاشتن در راه تشکیل حکا بود. بعد از یکدور فعالیت این سازمانها، از انقلاب ۵۷ تا سی خرداد ۶۰ بمدت دوسال و چند ماه، شمشری که جمهوری اسلامی برای سرکوب انقلاب از رو بست، مقطع تعیین کننده ای در اوضاع سیاسی بعد از انقلاب ۵۷ بود. سرکوب خشن و خونین نیروهای انقلابی، سازمانها و هر انسانی که حکومت تازه بقدرت رسیده را قبول نداشت، از کشتار بیش از صد هزار نفر تا پر کردن زندانها از فعالین جریانهای سیاسی، آن اوضاع دهشتناکی بود که بر جامعه حاکم شد. بعد از تشکیل حکا، بسیاری از جمعهها و گروههای سازمانهای چپ ایران که خود را همسو با نقدهای راهگشای اتحاد مبارزان کمونیست و منصور حکمت میدانستند، بعد از بحثها و پلمیک هایی، به حکا پیوستند. کسانی که در ایران خود را با ادامه انقلاب همسو میدانستند، کارگرانی که با هر درک و روایتی خود را چپ میدانستند و همچنین فعالین سیاسی که در زندانها اسیر شده بودند، تشکیل حکا را نقطه امید مهم و تعیین کننده ای در ادامه حرکت انقلابی مردم، چشم انداز روشنی برای طبقه کارگر و آنرا در مقابل اوضاع خشن و سرکوب حکومت اسلامی تازه بقدرت رسیده ارزیابی کردند.

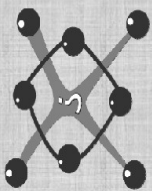
تشکیل حکا تحول عظیم اجتماعی در جامعه ایران بود و به این اعتبار میتوان گفت که تشکیل حکا صرفا ادغام دو سازمان و تبدیل آن به حزب و یا جمع عددی نیروهایی که بعدا به آن پیوستند نبود بلکه اساسا پاسخی به نیازهای یک مقطع تاریخی در حیات سیاسی و روند تحولات اجتماعی در جامعه ایران که اساس آنرا نقد مارکسیستی از مناسبات سرمایه داری را

تشکیل میداد بود. این نقدها درک و نگرش خلقی، پوپولیستی و چریکی حاکم بر چپ ایران را کنار زد و چشم انداز روشنی را در مقابل تمامی نیروها و سازمانهایی که آنرا پذیرفته بودند قرار داد. همانطور که بالاتر اشاره شد علیرغم گرایش بخش زیادی از بدنه و رهبری کومه له به مارکسیسم انقلابی اما گرایش ناسیونالیستی در این سازمان بجز چند نفر معدود که تشکیل حزب را برنمی تابیدند و رفتند، همچنان به حیات خود ادامه میداد. گرایش دیگری در کومه له وجود داشت که تمام افق و انرژی خود را به حفظ وضع موجود و نگهداری تشکیلات معطوف و به آن دل خوش کرده بود. بعد از تشکیل حکا تا کنگره سوم حزب در سال ۶۵ و بعد از آن نیز جهت گیری فعالیتهای حزب مبتنی بر برنامه، اساسنامه، سبک کار کمونیستی، سیاست سازماندهی در میان کارگران، مقالات و سمینارهای شفاهی و ضبط شده از طریق نوار کاست، تاسیس مدرسه حزبی اکتبر که در ظرفیت یک دانشگاه مارکسیسم پراتیک راه اندازی شده بود تا سازماندهی مجدد فعالیت تشکیلات در داخل کشور، تنها گوشه ای از کوه عظیمی از کار و فعالیت بود که در دستور حزب و رهبری قرار گرفته بود. این تلاشها و این اقدامات از آسمان نازل نشده بود. این طرحها و دادن این افق به فعالیت حزب صاحب داشت. هر کس هر چند بخواهد این اسم و این بررسی تاریخی را جعل کند و یا خط بزند، اما یک واقعیت عینی و متعلق به آن تاریخ بود و غیر قابل تحریف و انکار است. وقتی از تحریف و جعل تاریخ حکا صحبت میشود منظور این است که از پایه ای ترین مولفه هایی که بالاتر توضیح داده شد حرفی زده نمیشود. از ضرورت تشکیل حزب برای پاسخ به روند اوضاع سیاسی اجتماعی در جامعه ایران سخنی گفته نمیشود و بجای آن روایتیهای دلخواهی منطبق با نیازهای روز بیان میشود. تشکیلات کومه له نیز جهت گیری سیاسی و پراتیک خود را طی هر کنگره یا پلنومی همسو با خط

حزب و منطبق با اوضاع و شرایط ویژه کردستان تعریف و در دستور قرار میداد. تصویب اسناد کنگره ششم کومه له که خط کمونیسم کارگری است، از دورنمای فعالیت کومه له در کردستان گرفته تا جهت گیری و سبک فعالیت نظامی در تمایز با سنت ها و روشهای ناسیونالیسم کرد، از معطوف شدن کومه له به مراکز شهری و کارگری گرفته تا استاندارد کردن امورات اردوگاهها و دهها مورد دیگر از این دست، آن خطی بود که به همت و ایفای نقش منصور حکمت بویژه در کنگره ششم ممکن شده بود. در تشکیلات علنی کومه له علیرغم قبول و تایید این خط و جهت گیری و علیرغم دست بالا داشتن چپ در حزب، اما گرایش ناسیونالیستی همچنان ساز خود را مینواخت. تمکین خط مرکز و تشکیلات دار در کومه له به شانه بالا انداختن گرایش ناسیونالیستی در ایجاد مانع برای پیشبرد این فعالیتها تاثیر ترمز کننده ای داشت که در کنگره سوم حزب خط و گرایش کمونیسم کارگری در ظرفیت دیگری و در نقد این دو گرایش حرف خود را از موضع کمونیسم کارگری زد. بعد از کنگره سوم حزب و طرح مباحث کمونیسم کارگری بعنوان ضرورتی عینی، اجتماعی و واقعی به اوضاع پیش رو و ارائه طرح و برنامه برای بعد از ختم جنگ ایران و عراق و متعاقب آن شروع پیش

زمینه های تحولات جهانی و منطقه ای، که بروزات آن خود را نمایان میساخت، افق و چشم انداز دیگری را در مقابل حکا و کومه له میگذاشت. چه در مقطع تشکیل حزب و چه بعد از آن، گرایش چپ و کمونیستی در حزب کمونیست تمام مشغله اش چه باید کردهای طبقاتی و کمونیستی بود. اینک چگونه کارگران را به حزب نزدیک و جذب کند؟ افق و اهداف سوسیالیستی کارگری را چگونه باید تقویت و در جنبش کارگری قوی و گسترده کرد؟ آنچه که از ابتدای تشکیل حزب برای جناح چپ موضوعیت داشت، متحد کردن و سازماندهی فعالین و رهبران کارگری، جذب آنان به حزب و ترسیم افق سوسیالیستی در برابر کارگر شهری بود. استفاده مناسب از نیروی مسلح و علنی و خط بطلان کشیدن بر اقتباس از سنت ناسیونالیسم کرد که این نیرو را به هدر ندهد یکی دیگر از دستاوردهای ایندوره بود. برای گرایش ناسیونالیسم در حزب بویژه دراویل تشکیل حزب، سیاست انتظار، تصرف مجدد شهرها از طریق دهات و بخدمت گرفتن تمام امکانات تشکیلات علنی و حتی بخدمت گرفتن سرمایه اجتماعی کومه له برای پیشبرد کار نظامی، استراتژی نهایی گرایش ناسیونالیسم محسوب میشد.

ادامه دارد



چگونه با

حزب کمونیست کارگری ایران
فعالیت کنیماتحادات حزب کمونیست کارگری ایران
سپتامبر ۱۳۶۵ - شهریور ۱۳۶۶

تلفن و ای مایل آدرسی تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250

E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!